

ادامه از صفحه اول

اولویت نخست تبلیغات انتخابات مجلس یازدهم

برنامه‌ریزی تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان و نیز جمهوری مهاباد ازسوی استالین و دولت شوروی و با هدف کسب امتیاز نفت شمال کشور نمونه‌ای از دخالت عامل خارجی در ظهور جریان‌های قوم‌گرا است. همچنین حمایت حزب بعث عراق از گروه‌های قوم‌گرا در سال‌های پس از انقلاب نمونه دیگری از دخالت عامل خارجی در این موضوع است. دوم آنکه احزاب مارکسیستی و سوسیالیستی مهم‌ترین نیروی تشکیلاتی این جریان به شمار می‌رفت. سوم آنکه نهادهای درون حاکمیت و دولت، چه پیش و چه پس از انقلاب، مرزبندی دقیق و روشنی با این جریان داشتند و هیچ‌گاه نیروهای درون دولت و حاکمیت به این جریان‌ها وابسته نبودند. در دهه‌های گذشته به دلایلی فرصت و امکان بیشتر و قابل‌توجهی برای افزایش تحرکات قوم‌گرایانه در کشور فراهم شده است. برخی کم‌توجهی‌ها به هویت ملی و همبستگی ملی و ارزش‌های مشترک ملی، استفاده ازبازی رقابتی منطقه‌ای یا دشمنان کشور از گروه‌های قوم‌گرا و تجزیه‌طلب از جمله ارائه کمک‌های مادی و تسلیحاتی و تبلیغاتی به این جریان‌ها و در نتیجه تشدید فعالیت‌های قوم‌گرایانه در برخی مناطق کشور، افزایش دسترسی شهروندان به فناوری‌های نوین ارتباطی، به‌ویژه شبکه‌های موبایلی و شبکه‌های ماهواره‌ای و فرصت‌طلبی قوم‌گرایان برای استفاده از این ظرفیت تازه، کم‌توجهی برخی دولت‌مردان به مخاطرات این پدیده و جدی گرفته‌شدن آن از جمله عللی است که زمینه‌های مادی و غیرمادی افزایش این تحركات در کشور را در پی داشت. البته عامل دیگری را نیز باید دراین‌باره در نظر گرفت.استفاده جریان‌های سیاسی و جناح‌های کشور از مباحث قومی و افزایش رویکردهای محلی‌گرایانه برای پیروزی در انتخابات؛ این شاخص دقیقاً در تعارض با رویکرد دهه‌های گذشته یعنی مرزبندی دولت و جریان‌های درون حاکمیت با جریان‌های قومی است که شوربخانه در سال‌های گذشته روند رو به افزایشی نیز یافته است. تلاش برای تأسیس فراکسیون قومی در مجلس، ایراد برخی نطق‌های قوم‌گرایانه، تلاش برخی مجریان برای مقابله با ارزش‌های ملی مانند ماجرای تدبیر فردوسی در یکی از شهرستان‌ها و موارد دیگر هر یک باید جداگانه بررسی و تحلیل شود تا نقش مخرب و منفی این پدیده‌ها روشن شود.در ماه‌های گذشته پدیده‌های آشکاری از این رویکردها افراطی در کشور هویدا شد. موضع شهردار یکی از شهرهای شمال غرب در برابر یکی از اعضای شورای شهر آن شهرستان درباره استفاده از زبان تمدنی، تاریخی و رسمی کشور یعنی زبان فارسی! موضع‌گیری برخی نمایندگان مجلس در حمایت از قوم‌گرایی و مواردی از این دست نشانه‌های آشکاری از این پدیده و احتمال تشدید آن در ماه‌های آینده است. در سال‌های گذشته ایام تبلیغات انتخاباتی فرصتی برای این جریان‌ها فراهم کرده تا با استفاده از این فرصت شعارهای خود را علنی کنند.کمتر از شش ماه تا برگزاری دور یازدهم انتخابات مجلس شورای اسلامی باقی است. کاهش فعالیت‌های اصلاح‌طلبان و در نتیجه خلأ ناشی از این مشخصه موجب شده از سویی محلی‌گرایی و از دیگر سو قوم‌گرایی بیش از گذشته فرصت بروز و ظهور داشته باشد.

این شرایط، دشمنان کشور را بیش از پیش وسوسه می‌کند تا از ابزارهای قومی برای پیشبرد برنامه‌های خود درون کشور بهره بگیرند. بحران بی‌سابقه خاورمیانه و شکل‌گیری جریان‌های الحاق‌گرا که طمععی هم به اقوام ایرانی دارند، بیش از هر زمان دیگری به حساسیت طرح مباحث قومی دامن زده است.

در چنین فضایی بر همه نیروهای سیاسی ملی‌اندیش و وفادار به سرنوشت کشور فرض است تا بیش از گذشته بر انسجام ملی و همبستگی ملی پای بشارند. مجلس شورا باید نمونه و مکانی برای اعتلای همبستگی ملی باشد. همان‌گونه که آرمان مشروطه‌خواهان در تأسیس مجلس شورا چنین بود. توافق نیروهای سیاسی و جناحی کشور بر سر ارزش‌های مشترکی نظیر همبستگی و انسجام ملی، امنیت ملی، قانون‌گرایی، برابری شهروندان در برابر قانون، عدالت اجتماعی و مفاهیمی مشابه می‌تواند بیش از هر زمان دیگری فرصت‌های تازه‌ای برای بسیج ملی در دوره انتخابات پیش‌روی بر جای گذارد. درک شرایط پیچیده منطقه و التهاب و بی‌ثباتی نهادهای‌شده در حاشیه مرزهای سیاسی کشور، تشدید رقابت‌های منطقه‌ای میان کشورهای منطقه با ایران، تشدید مشاجرات کلامی با دولت آمریکا، نارضایتی شهروندان از مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور، تدوین و ارائه شعارهای ملی‌اندیشانه، ارائه برنامه‌های کارشناسی‌شده برای خروج از مدار پیچیده مسائل پیش‌رو از جمله مقدماتی است که زمینه تقویت ارزش‌های ملی و همبستگی ملی، می‌تواند مشق حضور مردم در پای صندوق‌های رای و جلب توجه به نامزد‌های انتخاباتی باشد. انتخابات مجلس یازدهم فرصتی برای تعمیق همبستگی ملی است. ایرانیت سرمایه چندهزارساله ایرانیان و تجربه زیست مشترک این ملت، این سرمایه توان برانگیزانندگی ملی شکرفی دارد؛ بر نیروهای سیاسی علاقه‌مند به سرنوشت کشور فرض است که در انتخابات پیش‌روی مجلس این میراث ملی را بیش از همیشه در صدر اهداف سیاسی خود قرار دهند. همبستگی ملی را به هدف و شعار سراسری داوطلبان مجلس یازدهم بدل کنیم!

شرق: بحث بر سر حذف یا عدم حذف یارانه با عباس عبدی، فعال سیاسی و پژوهشگر اجتماعی صحبت را به چگونگی برآمدن دولت پوپولیستی احمدی‌نژاد کشانند. او معتقد است: وقتی رفتار احمدی‌نژاد را بعد از سال ۹۰ با قبل آن مقایسه کنیم، متوجه می‌شوید که پس از پرداخت این یارانه‌ها موضوع دموکراتیک می‌گرفت؛ زیرا پول‌هایی که قبلاً خرج می‌کرد و با آن اطرفیانی را برای خود می‌خرد، دیگر در اختیار نداشت. برآمدن دولت روحانی محصول این اصلاح وضع بود. شبیه این است که اینها سر شاخه‌ای نشستند که دارند آن را از ته می‌پُرند و خودشان را می‌اندازند و اصلاً هم حواسشان به این قضیه نیست. آمدن احمدی‌نژاد دقیقاً محصول همین وضعیت بود؛ افزایش درآمدهای نفتی و اختلال درروابط مالی دولت و ملت، حذف اصلاح‌طلبان و آمدن دولتی پوپولیستی محصول افزایش این درآمدها بود. اصلاحات وقتی آمد که درآمدهای نفتی ایران در کمترین ارقامش بود. اینها همه مرتبط با رابطه مالی دولت و ملت است که کمتر سیاست‌مداری علاقه دارد به آن توجه کرده با آن را تحلیل و توصیف کند؛ بنابراین هرچا درآمدهای راتنی کم نشود، بی‌برو و برگشت نکته مثبتی است چراکه به دنبال آن می‌کوشند ساختار اقتصادی را مبتنی بر تولید قرار دهند سپس مالیات بگیرند و کارآمدی داشته باشند.

۴ جناب‌عالی سال‌هاست درباره ضرورت تغییر رابطه مالی دولت و ملت در ایران به‌عنوان یکی از موانع مهم پیشبرد دموکراسی و توسعه در کشور تأکید دارید و بر این اساس پیشنهادهایی مانند پرداخت یارانه نقدی به‌جای یارانه غیرمستقیم به شهروندان داشته‌اید. رابطه صحیح مالی بین دولت و ملت از نظر شما چگونه است و به چه نکاتی در این زمینه باید توجه شود؟

رابطه مالی صحیح یعنی مردم بودجه دولت را تأمین کنند؛ چراکه دولت کارگزار ملت است نه کارفرمای آنها که بخواهد به مردم پول بدهد تا مردم برایش کار کرده یا از او تبعیت کنند. همان‌طورکه مالیات را مردم به دولت می‌دهند. رابطه مالی صحیح این است که تمام پرداخت‌ها یا حداقل بخش اعظم آن مستقیم به مردم داده شود، حتی مالیات‌های غیرمستقیم که با تعرفه‌های گمرکی و ... صورت می‌گیرد، خیلی این رابطه را شفاف نمی‌کند. روزنامه‌نگار، پزشک، تاجر، کارمند، معلم و... باید از درآمشان مالیات به دولت بدهند و دولت را کارگزار خود بدانند؛ مسئله اصلی این است و نه چیز دیگری. حتی اگر قرار است همه پول نفت را هم دولت استفاده کند، باید ابتدا این پول به حساب مردم واریز شود و سپس توسط مردم به حساب دولت ریخته شود تا همه بدانند که چه سهمی را به دولت می‌دهند.

۴ شما از منتقدان حذف یارانه نقدی غریزانمندان هستید. آیا دلیل شما برای ترجیح توزیع نقدی منابع دولت میان مردم به استفاده این مبالغ در قالب رفیث‌های مختلف بودجه دولت به ناکارآمدی دولت در استفاده از این منابع محدود می‌شود یا به تصویری کلی که از رابطه مالی دولت و ملت ارائه کردید نیز مربوط می‌شود؟

هر دو مسئله اهمیت دارد. اصولاً اینکه پولی در بودجه باشد و به مردم داده شود، بی‌معنی است. هیچ دلیلی وجود ندارد که پول نفت وارد بودجه شود. پول نفت بحث دیگری است که هیچ ارتباطی به دولت و حکومت ندارد؛ این پول باید کلاً در اختیار مردم باشد و از طریق حساب مردم به

خزانه آنان واریز شود. یارانه‌های غیرمستقیم هم خیانت و هم اتلاف منابع است. هم فساد و اتلاف فاجعه‌باری در آن وجود دارد؛ اکنون ۲۰ برابر یارانه هدمسندی، دولت یارانه ناشی از قیمت‌گذاری نادرست پرداخت می‌کند. بنابراین دلیلی ندارد که از یارانه غیرمستقیم استفاده کنیم. افرادی که برای این پول اندکی که در اختیار مردم باقی می‌ماند، این‌همه سینه چاک می‌دهند چرا نمی‌روند تا جلوی اتلاف بزرگ منابع را بگیرند؟! شدت مصرف انرژی

ما اکنون چندبرابر کشورهای دیگر است، چرا جلوی این را نمی‌گیرند که هم آلودگی ایجاد می‌کند و هم اتلاف منابع است و هم هزار مورد دیگر... . سرتوتی این مسئله فساد و ناکارآمدی است. ساختار مدیریتی فقط می‌خواهد پول دست خودش باشد تا آن را به هرکس که می‌خواهد بدهد و اتلاف کند. فقط

منحصر به دولت هم نیست، ضمناً فرقی هم بین اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان و اعتدال‌یون وجود ندارد. همه به دنیا این هستند که این پول در دست خودشان باشد و هرطورکه می‌خواهند آن را مصرف کنند و در عمل با آن گوش‌به‌فرمان می‌خردن نه اینکه خدمتی بدهند.

۴ آیا در نگاه شما با فرض ناکارآمدبودن دولت، گرفتن مالیات از شهروندان و گسترش نظام مالیاتی موجه است؟ آیا معتقدید پیش‌نیاز تکمیل طرح جامع مالیاتی و هر اصلاحی در جهت گسترش پایه و درآمد مالیاتی کارآمدشدن دولت و استفاده صحیح دولت از منابع است و تا تحقق این پیش‌نیاز دولت نباید در صدد گرفتن عوارض یا مالیات بیشتر از شهروندان برآید؟ اگر دولت ناکارآمد باشد، مردمی که مالیات می‌دهند، قادرند دولت را متناسب با خواست خود تغییر داده و کارآمد کنند. علت ناکارآمدی این است که دولت اکنون در برابر مردم پاسخ‌گو نیست. وقتی شما یک بنا را می‌آوردید تا دیواری برای شما بسازد، اگر آجر را کج بگذارد، قوری او را کنار می‌گذارد و پولی هم به او نمی‌دهید؛ چون به او حقوق می‌دهید و انتظار از او دارید. بنابراین وقتی شما قرار است به او پول بدهید، بهترین بنا را می‌آوردید تا برای شما دیوار بسازد اما بنایی که می‌آید و مجانی برای شما می‌سازد، درواقع اصطلاحاً پولش را از جای دیگری گرفته است. در این شرایط اگر دیوار کج‌وکوله هم به شما تحویل بدهد، در آخر به شما می‌گوید: حق اعتراض ندارید؛ همین که هست.

اقتصاد

عباس عبدی ریشه روابط مالی دولت- ملت راواکاوی کرد

دولت پوپولیستی احمدی‌نژاد برآمده از درآمد نفت بود



عباس عبدی

بنابراین مسئله اصلی ما مسئله رابطه دولت - ملت است؛ در واقع اصلاح رابطه مالی دولت و ملت بر هر چیز دیگری مقدم است زیرا ناکارآمدی دولت‌ها محصول همین موضوع است. اگر ما از دولت پول بگیریم، چطور می‌توانیم آن را اصلاح کنیم؟! حاکم کسی است که پول می‌دهد و مسلماً همان هم حرف آخر را می‌زند. درواقع شما تا زمانی که نتوانید بودجه و پول دولستان را تعیین کنید، اختیاری در نقد و اصلاح آن نخواهید داشت. بنابراین مقدم بر هر چیزی اصلاح رابطه مالی دولت- مردم است. دولت پول بگیریم، چطور می‌توانیم آن را اصلاح کنیم؟! حاکم کسی است که پول می‌دهد و مسلماً همان هم حرف آخر را می‌زند. درواقع شما تا زمانی که نتوانید بودجه و پول دولستان را تعیین کنید، اختیاری در نقد و اصلاح آن نخواهید داشت. بنابراین مقدم بر هر چیزی اصلاح رابطه مالی دولت- مردم است. دولت پول بگیریم، چطور می‌توانیم آن را اصلاح کنیم؟! حاکم کسی است که پول می‌دهد و مسلماً همان هم حرف آخر را می‌زند. درواقع شما تا زمانی که نتوانید بودجه و پول دولستان را تعیین کنید، اختیاری در نقد و اصلاح آن نخواهید داشت. بنابراین مقدم بر هر چیزی اصلاح رابطه مالی دولت- مردم است. دولت پول بگیریم، چطور می‌توانیم آن را اصلاح کنیم؟! حاکم کسی است که پول می‌دهد و مسلماً همان هم حرف آخر را می‌زند. درواقع شما تا زمانی که نتوانید بودجه و پول دولستان را تعیین کنید، اختیاری در نقد و اصلاح آن نخواهید داشت. بنابراین مقدم بر هر چیزی اصلاح رابطه مالی دولت- مردم است.

طرح مورد نظر در انتخابات سال ۸۸ مکتوب و ارائه شده و مفصل هم درباره آن بحث شده است اما

در وضع موجود همین پرداخت یارانه‌ها بهتر از این است که در جیب حکومت باشد. قیمت‌های انرژی را بالا ببرند و به مردم یارانه بدهند تا هر طور که خودشان می‌خواهند آن را اصلاح و مصرف کنند. مردم بهتر از هر کس دیگری قادر به این کارند. این آدم‌های شکم‌سیر هستند که فکر می‌کنند فقط آنها خیلی خوب می‌توانند پول خرج کنند و مردم بیچاره نمی‌توانند این‌کار را بکنند در حالی‌که مردم به این پول نیاز دارند و بهتر از همه

هم می‌دانند پولشان را چطور خرج کنند. هیچ ربطی هم به تبلی و اینها ندارد. اینها همه حرف‌های بی‌ربطی است که مشتئی شکم‌سیر می‌زنند. دولت هم تا وقتی نفت دارد، دنبال مالیات نمی‌رود وقتی هم نفت ندارد، تولیدش لنگ می‌زند پولی برای پرداخت مالیات وجود ندارد.

۴ به نظر شما، چرا پرداخت یارانه از سوی دولت احمدی‌نژاد توانست به تصحیح رابطه دولت- ملت کمک کند؟ در بحث حذف یارانه پنهان انرژی چه ملاحظاتی می‌تواند ما را به این مقصود برساند؟

اتفاق پرداخت یارانه‌ها آن روابط را اصلاح کرد؛ وقتی رفتار احمدی‌نژاد را بعد از سال ۹۰ با قبل آن مقایسه کنید، متوجه این تفاوت می‌شوید. پس از پرداخت این یارانه‌ها موضوع دموکراتیک می‌گرفت زیرا پول‌هایی که قبلاً خرج می‌کرد و با آن اطرفیانی را برای خود می‌خرد، دیگر در اختیار

نداشت. برآمدن دولت روحانی محصول این اصلاح وضع بود. شبیه این است که اینها سر شاخه‌ای نشستند که دارند آن را از ته می‌برند و خودشان را می‌اندازند و اصلاً هم حواسشان به این قضیه نیست. آمدن احمدی‌نژاد دقیقاً محصول همین وضعیت بود؛ افزایش درآمدهای نفتی، اختلال در روابط مالی دولت و ملت بود. حذف اصلاح‌طلبان و آمدن دولتی پوپولیستی محصول افزایش این درآمدها بود. اصلاحات وقتی آمد که درآمدهای نفتی ایران در کمترین ارقامش بود. اینها همه مرتبط به رابطه مالی دولت و ملت است که کمتر سیاست‌مداری علاقه دارد به آن توجه کرده و یا آن را تحلیل و توصیف کند بنابراین هر چا درآمدهای راتنی دولت کم شود، بی‌برو و برگشت نکته مثبتی است چراکه به دنبال آن کوشش می‌کنند ساختار اقتصادی را مبتنی بر تولید قرار دهند سپس مالیات بگیرند و کارآمدی داشته باشند. وقتی می‌خواهید از یک صنف مالیات بگیرید باید آن صنف سودی داشته باشد تا شما بتوانید مالیات دریافت کنید. اگر آنان سودی نداشته باشند، قطعاً نمی‌توانید مالیات بگیرید وجود این سود به نفع آن صنف نیز است. دولتی پدر تمام صنف را در می‌آورد که متکی به نفت است و عین خیالش هم نیست و به‌راحتی می‌گوید بی‌نیاز از شما هستم.

۴ چنانچه معتقدید به علت ناکارآمدی دولت و کارایی شهروندان در نحوه مصرف منابع مالی باید منابع دولت به صورت نقدی در اختیار شهروندان قرار گیرد، آیا این یک حالت استثنائی مربوط به دولت‌های ناکارآمد است یا این شیوه را به همه کشورها توصیه می‌کنید؟ آیا این موضوع سبب خلل در توسعه زیرساخت‌ها در کشور نمی‌شود؟

این توصیه ربطی به کارآمدی یا ناکارآمدی یک دولت ندارد. این‌به یک قاعده مربوط است و آن هم این است که ثروت‌های مردم باید به خودشان داده شود تا خودشان یک هیئت امنأ درست کنند. آنها می‌دانند پول را چطور خرج کنند؛ مثلاً در نروژ به جای توزیع این پول بین مردم سود آن را برای کارهای خاصی استفاده می‌کنند اما در ایران هر کسی فکر می‌کند یک مو از خرس بکند، صواب است و هرچه بیشتر بگیرد به نفع اوست چراکه اختیار پول منابع‌شان دست خودشان نیست وقتی هم دست خودشان نباشد، فکر می‌کنند افراد دیگری آن را می‌برند و اتلاف می‌کنند. بنابراین آنچه می‌گویم در درجه اول به عنوان یک قاعده باید در نظر گرفته شود و ربطی به کارآمدی و یا ناکارآمدی ندارد. پرسش این است که چرا من بحث ناکارآمدی را مطرح می‌کنم؟ دلیل آن این است از بسس که این پول‌ها را اتلاف کرده‌اند. طرح‌های اقتصادی که دولت‌ها انجام می‌دهند دو تا سه برابر هزینه واقعی آن هزینه بر ما تحمیل کرده است. در زمان شاه بعضاً این مقدار تا ۳۵ برابر هم می‌رسید. برای چه ما این منابع را از دست می‌دهیم فقط برای اینکه بودجه دست دولت است که آنها هم بی‌خیال هستند و هر طور که می‌خواهند این پول را صرف می‌کنند بنابراین تا وقتی پول‌ها دست آنها باشد، این موضوع دولت را ناکارآمد می‌کند البته این دولت‌ها پیشرفت‌هایی هم داشته‌اند اما هیچ کس فکرش را هم نمی‌کند که چقدر منابع مالی گرفته‌اند تا نتوانست‌اند کمی پیشرفت کنند. باید این مهم را در نظر داشت که یک نفر با دریافت یک میلیون برای شما چقدر سود می‌آورد و فرد دیگری با همان یک میلیون چه می‌زنی سود می‌تواند بیاورد. اما ما به این مسائل توجهی نمی‌کنیم. همان‌طور که گفتم این قاعده‌ای کلی است که ربطی به کارآمدی و ناکارآمدی ندارد اما هر زمان نیاز شود، ما دست روی ناکارآمدی ناشی از این نوع دسترسی دولت به منابع دولتی می‌گذاریم.

رسانه‌ای شد و متأسفانه وزیر اعلام کرد کاری به دستور موقت نداریم و بحثی درباره مباحث داخلی شرکت در مورد فرکانس و بدهی‌های شرکت رایتل مطرح شد. در این زمان به من فشار آوردند اگر باشید، مباحثی که در طول شش تا هفت سال اخیر صحبتی از آن نبود را مطرح می‌کنیم. فکر کردم این اتفاق به صلاح شرکت رایتل نیست و جایگاه آن را ندارد که منافع شرکت را به خطر بیندازم و به همین دلیل، با توجه به تهدید به استعفا، استعفاي خود را رسانه‌ای کردم.

به‌خاطر بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی گفتم «فعلاً» این داستان تمام شود

مهرنوش به مشکلات اخیر رایتل اشاره کرده و می‌گوید: رایتل در ماه گذشته به‌واسطه کشمکش‌ها، سه بار قطعی داشت. نمی‌خواست‌م برند شرکت آسیب ببیند. وزیر همواره می‌گویند به‌خاطر صلاح رایتل من آنجا نباشم، اما من مثل مادری می‌مانم که به‌خاطر آنکه فرزندش آسیب نبیند، از آن می‌گذرد. در واقع به‌خاطر بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی کنار کشیدم و نخواست‌م در بی این کشمکش‌ها، ریزش مشتری داشته باشیم. یک ماه است که دیگر پرسنل رایتل انگیزه‌ای برای کارکردن ندارند. به‌خاطر همین هم گفتم فعلاً این داستان تمام شود.

او با گفتن این «فعلاً» فضای جدیدی را در کلامش باز می‌کند و می‌گوید: البته بگویم من باید استعفاي خود را تقدیم هیئت‌مدیره رایتل می‌کردم، چنین استعفايی را تقدیم نکرده‌ام.می‌پرسم قصد چنین کاری را دارد؟ مهرنوش می‌گوید: بستگی به شرایط دارد. اما به لحاظ قانونی هنوز مدیرعامل رایتل هستم.

گزارش روز

پشت پرده تخریب‌های اخیر وزیر ارتباطات جهرمی علیه ارزش افزوده ارزش افزوده‌های ها علیه جهرمی

قهیر موسوی

● جوان‌ترین وزیر دولت دوازدهم این روزها دست روی پرونده‌ای گذاشته است که شاید اگر جوان نبود، توان و انرژی پیگیری آن را نداشت و شاید اصلاً به آن ورود نمی‌کرد، چراکه میدانی است پر از سنسلاخ؛ «وس» یا همان سرویس‌های ارزش افزوده، موضوعی است که این روزها دیگر کمتر کسی است که نام آن را نشنیده باشد. پرونده‌ای که قرار است به‌زودی با تصمیم وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات برای همیشه بسته شود تا سودجویان با سوءاستفاده از ناآگاهی مخاطبان نتوانند درآمد کسب کنند. درآمدی که گاهی به دو هزار میلیارد تومان می‌رسد و طبیعی است که مقابله با چنین پرونده‌ای آسان نخواهد بود، همان‌طورکه پیش از هگان آذری‌جهرمی، وزیر ارتباطات دولت دوازدهم، در پخش زنده اینستاتگرامی خود گفت حاضر است هر هزینه‌ای را پرداخت کند، اما بساط ارزش افزوده‌ای برای همیشه جمع نشود. از همان روزی که کاربران مختلف در شبکه‌های اجتماعی هشتک «پایان وس» را استفاده کردند و افکار عمومی نارضایتی خود از کلاهبرداری سرویس‌های ارزش افزوده را در شبکه‌های اجتماعی فریاد زدند، موج تخریب وزیر جوان ارتباطات توسط برخی حساب‌های کاربری خاص در شبکه‌های اجتماعی و برخی خبرگزاری‌های داخلی آغاز شد. نکته جالب هم‌صدایی رسانه‌های خارجی که پیش‌تر عناد خود با نظام جمهوری اسلامی ایران را نشان داده‌اند، با برخی رسانه‌های تندرو داخلی بود. اتفاق نظر عیسیی که پیش از این همانندش را کمتر دیده بودیم و این مهم نشان می‌دهد جهرمی بر چه پرونده‌ای دست گذاشته و مخالفتش بیش از هر چیزی به فکر منافع شخصی و تسویه‌حساب سیاسی هستند و تنها چیزی که برایشان ارزش ندارد، سرمایه مردم است؛ همان موضوعی که وزیر ارتباطات بارها به آن با هشتک حق‌الناس اشاره کرده است. حاشیه‌ها از سفر با هواپیمای اختصاصی آغاز شد. یکی از خبرگزاری‌های داخلی که در مخالفت با دولت بد طولانی در این شش سال داشته، با انتشار خبری مدعی شد آذری جهرمی در سال ۹۶ برای سفر به بیرجند از هواپیمای اختصاصی استفاده کرده است. این خبر ساعتی پس از انتشار تکذیب شد؛ اما مدیران این رسانه هرگز به این پرسش پاسخ ندادند که اگر از سال ۹۶ از این موضوع اطلاع داشتند، چرا تاکنون سکوت کرده‌اند؟ چرا به‌محض اعلام پایان وس توسط وزیر ارتباطات این خبر منتشر شد؟ آیا ارتباطی در تعطیلی سرویس‌های ارزش افزوده و انتشار این خبر وجود دارد؟ این پایان ماجرا نبود؛ ذی‌نفعان سرویس‌های ارزش افزوده از هیچ تلاشی برای تخریب وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات برای متوقف‌کردن اراده این وزارتخانه برای مقابله با وس مصایقه نکردند. این تاجایی که یکی از سایت‌های خبری مخالف دولت در اقدامی عجولانه مدعی وجود باند فساد در طبقه دوازدهم وزارت ارتباطات شد. حال اگر حتی از خیابان شرعیتی به ساختمان وزارت ارتباطات نگاه کنیم، هشت‌طبقه‌بودن ساختمان وزارتخانه از دور هم مشخص است، این سایت خبری در حالی خرو سوخته وجود باند فساد در وزارت ارتباطات را منتشر کرد که نزدیک به دو ماه پیش با پیگیری مسئولان وزارت ارتباطات، حراست وزارتخانه اعضای این باند را شناسایی و به جرم کارچاق‌کشی به مقامات قضائی تحویل داده بود؛ اما ظاهراً این اطلاعات در اختیار سایت خبری مخالف دولت قرار نگرفته بود که این چنین تلاش کرد تا گوی سبقت تخریب وزیر ارتباطات را از هم‌قطارهایش برآید، غافل از آنکه کوه این خبر هم موش زایمان کرد. نبرد وزیر ارتباطات با ذی‌نفعان سرویس‌های ارزش افزوده به روزهای حساس خود رسیده است. موج تخریب‌های اخیر وزارت ارتباطات به‌خوبی بیان‌کننده آن است که جهرمی دست بر نقطه‌ای گذاشته است که سودجویان فکرش را هم نمی‌کردند روزی فرابرسد که مجبور شوند دکان خود را تعطیل کنند. از سفر با هواپیمای اختصاصی تا خبر دروغ شراکت یکی از معاونان وزیر ارتباطات در یکی از شرکت‌های ارزش افزوده در کنار هم‌نوایی برخی از رسانه‌های رسمی مخالف دولت با رسانه‌های ضد انقلاب، تنها بخشی از فشارهای سیاسی است که جهرمی در این روزها متحمل می‌شود؛ اما او پیش‌بینی این روزها را کرده بود، چراکه پیش‌تر عنوان کرد اگر در روز‌های آینده شنیدیم جهرمی قاتل بروس‌لی است، تعجب نکنید و این نشان‌دهنده آگاهی وزیر جوان از راه پرسنسلاخی است که در ارزش افزوده در کنار هم‌نوایی برخی از رسانه‌های افروده جزم است؛ اما طی‌کردن این مسیر بدون همراهی مردم، نمایندگان مجلس و قوه قضائیه آسان نخواهد بود. ازهمین‌ان انتظار می‌رود حال که پای حق‌الناس در میان بوده و اقشار مختلف مردم خواهان جمع‌کردن بساط ارزش‌افزوده‌ای‌ها هستند، قوه مقننه و قوه قضائیه به کمک دولت بایند تا هرچه‌سریع‌تر دست این سودجویان از جیب مردم خارج شود.